ت

جناب خلیل عطّار علیه بهآء الله

بسم ربّنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

امروز ثنا و سلام و ذکر و بیان مخصوص اولیاء حقّ جلّ جلاله است که شبهات اهل عالم ایشان را از سبیل رحمن منع ننمود عرف قمیص را یافتند و بشطر دوست شتافتند منع مانعین و سطوت ظالمین و مکر ماکرین و اعراض علما و اغماض فقها ایشان را از انوار وجه مالک اسماء منع ننمود از اقداح عرفان راح فلاح را باسم مسخّر اریاح نوشیدند نوشیدنی که ایشان را از انهار و جداول عالم غنی و بی‌نیاز نمود لعمر محبوبنا و محبوبکم و مقصودنا و مقصود من فی السّموات و الأرض ایشانند آن نفوسی که در کتب قبل و بعد مذکورند تعالی الّذی ایّدهم و عرّفهم و اظهرهم و اقامهم علی خدمة امره ایشانند کاسر اصنام اوهام و مخذل اعدآء مولی الأنام یسأل الخادم ربّه ان یؤیّدهم و یوفّقهم و یرزقهم خیر ما عنده انّه هو العزیز الوهّاب

سبحانک یا منزل الأمطار و مجری الأنهار اسألک بجواهر خلقک الّذین وفوا بعهدک و میثاقک بأن تؤیّد احبّائک علی استقامة لا تزلّها جنود الظّنون و الأوهام و لا تمنعهم امرآء الأنام ای ربّ تری ملأ البیان و تسمع ما تنطق به السنهم و تعلم اعمالهم و اعراضهم عن المقام الّذی به ثبتت حجّتک فی ازل الآزال و ظهرت آیات قدرتک بالعظمة و الاجلال اسألک یا مسخّر العالم و محیی الرّمم بأن تؤیّدهم علی الرّجوع انّک انت المقتدر علی ما تشآء لا اله الّا انت العلیم الحکیم ثمّ اجعل یا الهی و مقصودی عبدک الخلیل من النّاصرین لأمرک و النّاطقین بثنائک ای ربّ ایّده فی کلّ الأحوال انّک انت العلیّ المتعال

و بعد نامهٴ آن جناب که معطّر بود بذکر و ثنای محبوب عالمیان عین را کحلی بود هویدا و قلب را وجدی بود آشکار از حقّ جلّ جلاله میطلبم آن جناب را مؤیّد فرماید بر آنچه سزاوار است و بعد از قرائت و اطّلاع قصد مقام اعلی نموده امام وجه عرض شد و بشرف اصغا فائز هذا ما نزّل من ملکوت حکمة ربّنا و ربّکم و ربّ من فی الأرض و السّمآء قوله جلّ جلاله

هو السّامع العلیم

یا خلیل اهل عالم بمثابۀ صبیان مشاهده میشوند نیست بر احدی که از این کلمهٴ علیا تعجّب نماید چه که کل مشغولند باموری که خود بر فنا و زوال آن شاهد و گواهند و بایادی خود از برای خود میافروزند آنچه را که از اطفائش عاجز و قاصرند اوهام کل را اخذ نموده و ظنون جمیع را از ما ینفعهم منع کرده الّا من شآء اللّه از برای حقّ نَفْسی نَفَسی برنیارد و گامی لله برندارد بمثابهٴ اغنامی مشاهده میشوند که راعی را گم کرده‌اند متفرّق و متشتّت در هیماء غفلت و نادانی سائرند و شاعر نیستند از حقّ جلّ جلاله مسئلت نمائید قطره‌ئی از دریای دانائی بر عباد خود مبذول دارد و عنایت فرماید اوست بخشنده و توانا در ملأ بیان تفکّر نما مع آنکه بر حزب شیعه و اعمال و ثمرات آن مطّلع گشتند چنانچه بچشم دیده‌اید و بگوش شنیده‌اید مع‌ذلک بهمان اوهامات مجدّد تمسّک نموده‌اند بوهم از سلطان یقین محرومند و بغدیر از بحر اعظم ممنوع قل

الها معبودا مسجودا شهادت میدهم بوحدانیّت تو و فردانیّت تو و بخششهای قدیم و جدید تو توئی آن کریمی که امطار سحاب سماء رحمتت بر شریف و وضیع باریده و اشراقات انوار آفتاب بخششت بر عاصی و مطیع تابیده ای رحیمی که ساذج رحمت بابت را ساجد و جوهر عنایت کعبهٴ امرت را طائف از تو سؤال مینمایم و فضل قدیمت را میطلبم و جود جدیدت را میجویم که بر مظاهر وجود رحم فرمائی و از فیوضات ایّامت محروم نسازی جمیع محتاج و فقیرند و انت الغنیّ الغالب القدیر انتهی

للّه الفضل و المنّة بحر بیان نه بشأنی موّاج که این خادم فانی از عهدهٴ ذکر و یا وصف برآید معدوم را نزد حضرت موجود شأنی نه و بیانی نه با کمال عجز و انکسار باذیال رداء کرمش متشبّث که آن جناب را در جمیع احوال موفّق دارد و عبادش را از فضل ایّامش محروم نفرماید انّه علی کلّ شیء قدیر و بالاجابة جدیر

اینکه مرقوم داشتند در بارهٴ جناب آقا میرزا علی اخ جناب آقا میرزا محمّد خان علیهما بهآء الله نامهٴ ایشان رسید و امام وجه محبوب عالمیان عرض شد یک لوح امنع اقدس بشأن آیات و یک لوح ابدع احلی بشأن پارسی از سماء عنایت و فضل نازل نوشته ارسال شد از حقّ میطلبم ایشان را فائز فرماید بلقاء آن تا از بحر بیان رحمن بیاشامند آنچه را که سبب حرکت و علّت اشتعال گردد و بر خدمت امر قیام نمایند یعنی بتبلیغ این عبد خدمت ایشان تکبیر میرساند و از حقّ جلّ جلاله تأیید میطلبد تأییدی که آثار آن در اقطار ظاهر و هویدا شود اوست بخشنده که حجبات عالم و سبحات امم او را منع ننموده و ننماید لازال ید قدرتش ظاهر و عین عنایتش مبسوط طوبی از برای نفوسی که در این مطلع ایّام خود را از اشراقات انوار آفتاب عنایت محروم ننمودند انّ ربّنا الرّحمن هو المعطی الکریم و هو الجواد الکریم لا اله الّا هو العلیّ العظیم

اینکه ذکر حضرات اولیا جناب آقا میرزا محمود و جناب آقا میرزا محمّد خان و جناب آقا محمّد حسن خان علیهم بهآء اللّه را فرمودند کل در ساحت امنع اقدس مذکورند للّه الحمد بعد از عرض اسامی مخصوص هر یک از سماء فضل نازل آنچه که عرفش بدوام اسماء حسنی و صفات علیا باقی و دائم و این فانی از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که هر یک را بمثابۀ علم بر امرش مرتفع و ظاهر و باهر فرماید اوست قاضی حوایج سائلین و اوست امل آملین و مقصود قاصدین البهآء و الذّکر و الثّنآء علی جنابک و علی الّذین ما منعتهم الأوهام عن اللّه ربّنا و ربّکم و ربّ من فی السّموات و الأضین و الحمد للّه ربّ العالمین

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۲ مه ۲۰۲۴، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر